



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

اطاعت از بابا و مامان

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته،
 أعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم.
 الصلاة والسلام على رسولنا محمد سيد الأولین والأخرین،
 مدد یا رسول الله، مدد یا ساداتی أصحاب رسول الله، مدد یا مشایخنا،
 شیخ عبدالله الفائز الداغستانی، شیخ محمد ناظم الحقانی، دستور.
 طریقتنا الصلبة والخیر فی الجمعیة.

یک از مهمترین امر های اسلام اولاد خیر برای بابا و مامان بودن است. ما باید با آنها معامله خوب کنیم. حتی اگر آنها با شما بد رفتار کنند، شما رفتار خوبی خواهید داشت؛ شما پاسخ بد نخواهید داد. شما اطاعت و قبول خواهید کرد تا زمانی که شما را به یک عمل حرام نخواهید برد. خوب نیست بر علیه آنها عمل کنید یا مبارزه کنید. اینها در بزرگترین گناهان هستند.

گناهان بزرگ (کبیر) وجود دارند، گناهان کوچک (صغیر) وجود دارند. یکی از اینها است که بابا و مامان را نادیده بگیرد و با آنها رفتار بد کنید. اسلام و ادب طریقت اخلاق زیبا را نشان می دهند. هیچ اولیاء، عزیزترین بندگان الله یا بنده عزیز برای انسان ها، معروف هستند به اینکه رفتار بدی با والدین شان داشته باشند، لعنت شان کنند یا آنها را بزنند. هرگز چنین چیزی نمی تواند وجود داشته باشد. انسانی که این کار را انجام می دهد، لازم است از لحاظ عقلی ناقص باشد. الله هرگز اجازه ندهد که هر کس آنقدر احمق باشد.

نسل جدید که پس از عثمانی آمد، همیشه با آنها بد رفتاری کردند، همیشه عثمانی را مورد انتقاد قرار دادند. آنها دوست ندارند آنچه که عثمانی انجام دادند. چرا؟ چونکه این را بهشان آموخته اند. اجداد مان را لعنت کردند و به آنها با نامیدن شان احمق، بی احترامی کردند. اما حتی یک درصد آنچه آنها انجام داده بودند، در این صد سال ها، انجام نه دادند. شکر به الله که ما با برکت و دعا آنها ادامه می دهیم. دعا آنها قبول می شد زیرا انسان های خوب بودند. الله دعای آنها را قبول کرد و با یک اجداد حرف گوش کن ادامه دادند. حتی در زمان های بد، شکر به الله، وضعیت هنوز خیر است. ادب و رفتارهای خوب وجود دارند. چیزهایی که انسان ها دوست ندارند، گاهی اوقات اتفاق می افتند.

نسل حضرت پیامبر (ﷺ) مان با زین العابدین ادامه داد. زین العابدین پسر استاد مان حضرت حسین است. او با مامانش نمی خورد. "شما که چنین انسان خیر هستی، چرا با مامانت غذا نمی خورید؟" از او پرسیدند. به ادبش توجه کنید، وا گفت، "میتراسم مامانم یک غذا را نگاه کند و آنها را بخود، و من قبل از او آن را بگیرم و بخورم." او باخاطر ادبش با مامانش نمی خورد. او می گذشت مامانش هر جوری که بخواد، بخورد. به این ادب توجه کنید و با انسان های اکنون مقایسه کنید که فریاد می زنند، اعتراض می کنند و یا آنها را میزنند. الله اجازه این را ندهد. بعضی از آنها حتی برای پول آنها را میکشند.



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

باشد که الله ما را در دست های نفس مان ول نکند. انشاءالله اولاد ما نیز اطاعت کند؛ اطاعت از بابا و مامان و حرمت شان را نگه دارند. چونکه آن وقت برکتی وجود ندارد. به هر حال هیچ کاری پیش رفت نمی کند. آیا دعا کنند یا نه، هیچ فایده برای آنها ندارد. الله کسانی که اینطوری عمل می کنند، اصلاح کند. انشاءالله بتوانند از امر و آموزش های شیطان دور شوند.

و من الله التوفیق.
الفتاحه

حضرت شیخ محمد محمت ربّانی
۱۸ جمادی الأول ۱۴۳۶، درگاه اکبابا، فجر